



تقصیر ماست غیبت طولانی شما بغض کلو گرفته پنهانی شما

Email:SEPIDEH@Kayhannews.ir

دیده بارانی

تقصیر ماست غیبت طولانی شما

بغض گلو گرفته پنهانی شما

بر شوهر‌زار معصیتم گریه می‌کنید

جانم فدای دیده بارانی شما

پرونده‌ام برای شما در‌درسر شده

وضع بدم دلیل پریشانی شما

ای‌وی‌ام که‌قلب‌شمارا‌شکسته‌ام

آقا چه شد تبسم رحمانی شما؟

ای یوسف مدینه‌هر مرام حلال کن

عفو و گذشت سَنَتِ رحمانی‌شما؟

ای‌حقیقت‌است‌که‌اصلا‌شبیبه‌نیست

رفتار ما به رسم مسلمانی شما؟

عشق‌شهریکسره‌تعریف‌می‌کنند

از لحن و صوت مکی قرانی شما

نشنیده یاد روضه گودال کرده‌ام

دل می‌برد تلاوت روحانی شما

این‌اشک‌وروضه‌حال‌مراخوب‌کرده‌است

ردخور نداشت نسخه درمانی شما

وحید قاسمی

صبح زیبای ظهور

دل‌های ما لب‌تشنه باران نور

چشم‌انتظار صبح زیبای ظهور

می‌باری عطر روشنائی صبح‌دم را

بر جاده‌های شب‌زده وقت عبورت

ما را ببر با خود به دیدار خداوند

از سمت‌سهله‌چمکران، از کوه طورت

آقا اگر هم‌قلب‌ما از جنس سنگ‌است

شاید شود نیمه‌شب‌شی سنگ‌صبورت

هر روز بین کوجه‌های فاطمه

لبریز ماتم می‌شود چشم غیورت

صاحب عزا با واهمه می‌خوانم امشب

مرثیه‌های مبادرت را در حضورت

حس می‌کنی آن التهاب‌شعله‌ها را

لحظه‌به‌لحظه،مویه‌مویه‌صورت‌به‌صورت

هر روز قبر بی‌نشانی ندیده دارم

چشم‌انتظار صبح زیبای ظهور

یوسف رحیمی

دل پریشان

مباد لحظه‌ای از یادتان جدا باشم

خدا کند همه عمر با شما باشم

مسرا رها ممکن از استثناعات آقا

رضا مشو که ز درگاه تو جدا باشم

اگر که فیض دعای تو شاملم گردد

ز دام غفلت و بند گنه رها باشم

به انتظار فرج دست بر دعا شده‌ام

خدا نکرده مگر تجسس‌الدعا باشم؟

اگر نصیب کنی طول عمر با عزت

همیشه و همه جا خادم شما باشم

به یساد غربت ارباب دل پریشانم

خوشم که با تو گرفتار روضه‌باشم

دلم قرار ندارد بیا و کاری کن

که عاقبت سفری با تو کرپلا باشم

احسان محسنی‌فر

نهضت فردای تو

ای دل شیدای ما گسرم تمنای تو

کی شود آخر پدید طلعت زیبای تو

گرچه نهانی ز چشم دل نبود نامید

می‌رسد آخر به‌هم چشم من و پای تو

زاده تر گسرت تویی دیده چو نگر بره

مانده که ببیند مگر لاله حمرای تو

تیره بماند جهان نور نتابد ز شروق

تا ندهد نورشنی روی دلاری تو

این همه نودولتان غره به چاه جلال

کاش کنند جلسوهای غره غرای تو

باش که فروغونیان مست ستم گاهان

خیره شود چشمشان از ید و بیضای تو

از بشر بت‌پرست جد تو پتھا شکست

بت‌شکن آخر است همت والای تو

باز چه آید به گوش کی رسد آوای تو

سوخت ضعیف از ستم پای بنه در میان

تا یکشد انتقام دست توانای تو

نور خدای چسرا روی نهان می‌کنی

کسب نکند جز خدا حلل معمای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست

وین نکند جز به حق طبع مصفای تو

ظلم جفاگستران چون به نهایت رسید

بیج ستم بر کند عدل هویدای تو

بدمنشان را کنون تصفیه‌ای درخوراست